ادبیات سخنان امام سجاد علیه السلام

و

صحیفه سجادیه

سید فضل الله میرقادری

بسم الله الرحمن الرحیم

ادبیات سخنان امام سجاد علیه السلام و صحیفه سجادیه

نویسنده:

فضل الله میرقادری

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ادبیات سخنان امام سجاد علیه السلام و صحیفه سجادیه

مشخصات کتاب

مؤلف: سید فضل الله میرقادری

ناشر : سید فضل الله میرقادری

چکیده

نیایش های امام سجاد (ع) در صحیفه، سرشار از مضامین لطیف و دلپذیر است. این دعاها نشانه ی ذوق سرشار، روح متعالی، بزرگی شخصیت و درد آشنایی آن حضرت (ع) است. خواننده ی این دعاها با اندکی ژرف نگری و تأمل، لذتی معنوی و روحانی احساس می کند که همه ی لذت های مادی با آن برابر نیست و درمی یابد که این کتاب، صحیفه ی معرفت است. با وجود پژوهش های فراوانی که پیرامون این کتاب انجام پذیرفته است، جنبه ی ادبی و هنری آن کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله پس از مقدمه و نگاهی به اوضاع سیاسی - اجتماعی زمان امام سجاد (ع)، ضمن تبیین ادبیات عصر امام سجاد (ع)، ادبیات کلام امام (ع) در صحیفه سجادیه مورد بررسی قرار می گیرد. واژه های کلیدی: ۱- صحیفه ۲- ادبیات ۳- دعا

مقدمه

در عصر جدید، دانش بشری به مرحله ی پیشرفته ای رسیده و انسان جهت دست یابی به آسایش، به اختراعات و اکتشافات بسیاری دست زده است، اما این پیشرفت ها نه تنها به آرامش او نیانجامیده، بلکه به پیشرفت در فن آوری بر دغدغه ها و پریشانی های او افزوده است. فقط معنویت است که آرامش حقیقی آدمی را تأمین می کند از این رو، نیاز به معنویت مربوط به دوران خاصی نیست. انسان ها در همه ی دوره ها به معنویت نیاز دارند و امروزه که پیشرفت در فن آوری پریشانی ها را بیشتر کرده نیاز به معنویت نیز بیشتر احساس می شود. آدمی به این نتیجه رسیده است که به دنبال آبشخوری باشد که از زلال آن بنوشد تا خود را پیدا کند و معنای زندگی را بیابد. پر واضح است که فقط دل سپردن به راهنمایی ها و

آثار اصیل انبیای الهی به ویژه پیامبر گرامی اسلام (ص) و پیشوایان معصوم (ع) است که انسان را بر سر منزل مقصود هدایت می کند و می تواند به سرچشمه معنویت و آرامش برساند. در میان آثار ارزنده معصومین (ع)، میراث امام سجاد (ع) از اهمیت ویژه ای برخوردار است. از میان خطبه ها، نامه ها، توقیع ها، شعرها، مصاحبه ها، محاوره ها، خاطره ها و کلمات ایشان، دعاها و مناجات های آن حضرت جایگاه مهمی دارد. امام سجاد (ع) در صحیفه در ضمن دعا با ادبیاتی بسیار غنی و زیبا، معارف اسلامی، سیاست، اخلاق، جامعه شناسی، حقانیت اهل بیت، انتقاد از ستم، سفارش به حق و حقیقت و در یک سخن، درس معنویت و سعادت را آموزش می دهد. صحیفه سجادیه از دیرباز نظر انیشمندان و فرهیختگان بسیاری را به خود جلب کرده است و علاوه بر حدود هفتاد شرحی که بر آن نوشته اند، از زوایای مختلف به آن نگریسته و پیرامون آن پژوهش هایی انجام داده اند. در عین حال به نظر می رسد که این کتاب از دیدگاه ادبی و هنری کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین لازم است در این عرصه کوشش هایی صورت گیرد.

روش تحقیق

در این تحقیق محور اصلی متن صحیفه (بدون توجه به ترجمه ها) و کتاب های تاریخ ادبیات عربی در عصر اموی است و از رهگذر ادبیات عربی عصر امام سجاد (ع)، ادبیات کلام امام (ع) ادبیات و دعا را مورد بحث قرار داده و در بخش پایانی به درون مایه های صحیفه سجادیه به عنوان صحیفه معرفت نظر کرده ایم.

ادبیات عصر امام سجاد علیه السلام

شعر

هنگام ظهور اسلام ادبیات عربی عبارت بود از اشعار دوره ی جاهلی که تصویر احساسات و امیال و آرزوهای آنان از آن زندگانی ساده بود. وقتی که اسلام ظهور کرد، عرب ها با دعوتی شگفت انگیز که به هیچ وجه آشنایی ای پیشین با آن نداشتند، مواجه شدند. صدایی به گوش آن ها رسید که آنان را از اختلاف و شقاق و نفاق بین عشایر و طوایف برحذر می داشت و به وحدت، اتفاق، اتحاد و کنار گذاردن هر گونه دشمنی دعوت می کرد و آنان را از بت پرستی به توحید و یکتا پرستی می خواند. این صدا صدای قرآن بود با اسلوب و عبارات و کلماتی که میان فصحا و شعرای عرب معهود نبود. آرام، آرام کلمه ی حق اعتلاـ یافت و اسلام رونق گرفت و آتش فتنه ها فرونشست و نزاع شاعران از میان برخاست و به جای آن مدایح پیامبر (ص) و اسلام و اصحاب او و فضایل اخلاقی جلوه گر شد. وقتی که فتح و پیروزی اسلام در شبه جزیره ی عربستان پدیدار گشت، انگیزه و موجبات سرودن شعر ضعیف شد و به جای آن تلاوت قرآن و بحث درباره ی فصاحت و بلاغت این کتاب آسمانی رواج یافت. در دوران خلفای راشدین از آن جا که مسلمانان سرگرم تأسیس دولت و فتوحات و کارهای مملکتی

بودنـد، مجـال گفت و شـنود درباره ی شـعر کمتر یافت می شـد. از نیمه ی آخر دوره خلافت عثمان که کم کم آتش انقلاب زبانه کشـید و بذر اختلاف پاشـیده شد، دوباره تفرقه در میان مردم پدیدار شد و بعد از قتل عثمان این اختلاف به اوج و شدت خود رسـید. «بنی امیه به پیشوایی معـاویه لوای مخـالفت با امامان (ع) برافراشـتند. در این غوغا و آشوب بود که دوباره شاعران ظاهر شدنـد. گروهی به طرفداری بنی هاشم و جماعتی به حمایت بنی امیه برخاسـتند و در سایر فرقه ها مانند خوارج و زبیریان نیز شاعرانی ظهور کردند» (۱۳، ص: ۱۱۴). در این دوره شاعران نقش سیاسـی مهمی ایفا می کردند که در تاریخ اسلام چنین نهضتی در عالم شـعر و چنان فرصتی برای دخالت شاعران در سـیاست نظیر نداشته است. سخن درباره ی امور بزرگ سیاسی و مملکتی و انتخـاب رئیس حکومت و سایر امور اجتماعی بزرگ ترین امتیاز شـعر این دوره است. سـیاست بنی امیه چنین اقتضـا می کرد که شاعران را به سوی خود جلب کنـد و حتی بین خود شاعران هم رقابت و اختلاف بیندازد تا از یک سو این خاندان را مدح کنند و از سوی دیگر یکدیگر را هجو کنند. از شاعران این دوره نسـبت به یکدیگر هجاهای شگفت انگیزی به یادگار مانده است. دشـمنی و رقابت شاعران نسبت به یکدیگر موجب شد که شعر «نقائض» به وجود آید. نقائض جمع نقیضه، شعری است که شاعر با قصـیده خود معانی قصیده ی دشمن را نقض می کند و فخر دشمن را با هجو برمی گرداند و فخر واقعی را به خود نسبت می دهد. معمولا نقیضه در همان وزن و قافیه قصیده ی دشمن است. نقائض

هر چند که در پیشرفت فن شعر و حفظ لغت جاهلی ارزش ادبی دارد ولی نمایانگر بداوت امویان است. اخطل و فرزدق و جریر مثلث این نوع شعر هستند که بیشتر شعر آن ها یا هجو یکدیگر است یا مدح امویان. [۱] . در این دوره نوعی دیگر از شعر نیز ظهور کرد که به آن مجون یعنی شعر زشتی می گویند. امویان از اشاعه ی این نوع شعر هیچ ابایی نداشتند. شاعران غزل سرا به طور عموم غزل اباحی می سرودند [۲] پیشوای این گروه از شاعران عمر بن ابی ربیعه مخزومی [۳] است. شعر مجون در کنار این نوع غزل پدیدار گشت. در کتاب تاریخ ادبیات اکبر بهروز آمده است: «یکی دیگر از مقتضیات سیاست بنی امیه این بود که جوانان حجاز را از مسافرت به اطراف و اکناف ممالك اسلامی منع کند در عوض عطایای فراوان به آن ها می داد. این جوانان که وارث اموال بسیاری از پدران فاتح خود بودند، در نتیجه ی عطایای سرشار بنی امیه، ثروت و مکنت فراوانی به دست آورده بودند و چون راه عمل و مسافرت و دیگر مشاغل جدی بر آن ها بسته بود به اقتضای جوانی و بیکاری و توانگری به خوش گذرانی و ملاعب و ملاهی سرگرم شدند و اوقات خود را با بی بند و باری و تمتع از لذایذ جسمانی می گذراندند و بالطبع قریحه ی شعر و شاعری هم در ایشان پدیدار گشت و این زندگانی پر نعمت و مرفه و خوشی و شادی و سرور و جوانی موضوع شعر آن ها بود (۶، ص: ۱۲۶). احمد حسن زیات می نویسد: «دوره ی اموی، دوره ی نضح آداب جاهلی و آغاز نقل دانش های بیگانه بود.» (۷، ص:

۲۰۷). نـاگفته نمانـد که در دوره ی اموی در عرصه ی شـعر و شـاعری، غزل عفیف و شـعر متعهـد هم یافت می شـد. شاعرانی ماننـد قیس بن ملوح (مجنون لیلی)، جمیـل بن معمر و کثیر عزه غزل عفیف می سـرودند. از شـاعران متعهـد این دوره که تمام عمر خـود را در راه دیـن صـرف کرد و بـا شـجاعت از اهـل بیت دفـاع کرد، کمیت بن زیـد اسـدی [۴] است که مجمـوعه ی اشعارش با عنوان هاشمیات منتشر شده است.

نثر دوره اموی

نثر در زمـان بنی امیه، مراحـل تازه ای را به سـمت پیـدایش نثر ادبی درنوردیـده است. انواع نثر ادبی که از دوران های پیش به جـای مانـده بـود، اسـتواری بیشـتری یـافت. برخی از آن هـا نیز چـون فن رسائـل و تاریـخ هـای تـک موضـوعی، سـرآغاز نـثر اندیشـمندانه ای بود که در پایان عصر اموی و آغاز دوره عباسی شکوفا گردید. «نثر این دوران پرآشوب و جدال، به روش غیر مسـتقیم و به صورت قطعات باقی مانده است. اما به هر حال نام چندین نویسنده و عنوان چندین کتاب را در دست داریم و می دانیم که فن نگـارش رواج بیشتری یافته بود و برای ثبت آثار ادبی هم به کار می رفت.» (۲، ص: ۷۹). یکی از جلوه های مهم نثر دوره ی اموی خطبه است که در این دوره پیشـرفت زیادی کرده است. مهم ترین خطبه ها، خطبه ی امام حسـین (ع) بعـد از شهادت امام علی (ع) است که ابشیهی در کتاب المستطرف فی کل فن مستظرف و ابوالفرج در مقاتل الطالبیین نقل کرده اند و خطبه های دیگر امام حسین (ع) و امام سجاد(ع) است. (۱، ص: ۲۲۴).

ادبیات کلام امام سجاد علیه السلام

اشاره

کمتر دیده می شود که کسـی در تاریخ ادبیات عربی به ادبیات کلام امام سجاد (ع) یا ادبیات دعا به طور ویژه پرداخته باشد و ارزش های هنری و تأثیر آن را بر اسـلوب های نثر عربی در دوره های نقل کند. [۵] به سبب آن چه از پیشوایان ما به ویژه امام علی بن حسـین (ع) بر جـای مانـده است، مـا در دوره اموی بیشترین ثروت ادبی را در زمینه ی دعا دارا هستیم. امام سـجاد (ع) کوشش های پدر بزرگوارش را برای بازگرداندن عزت و سرافرازی به جامعه اسلامی داد و این

کار را به شـیوه ای پیش برد که با وضعیت دوره ای که در آن به سر می برد متناسب باشد. در پی جان فشانی و فداکاری های امام حسـین (ع) و یارانش، موانع ترس و وحشت تا حد زیادی از میان برداشته شد و جامعه اسلامی توانست گام دیگری در راه بازگردانـدن عزت خود بردارد. امـام سـجاد (ع) تمام کوشـش خود را برای ارتباط مردم با خـدا به کار برد تا این که گام های دیگری در راه عزت و رهـایی امت اسـلامی برداشـته شـود. امـام سـجاد (ع) در راه تربیت و تهـذیب نفـوس پیروان شـیوه هـای گوناگونی را پیش گرفت که عبارت بودند از: خریدن برده ها و آموزش دادن و آزاد کردن آنان، تربیت گروه های شایسـته و فرسـتادن آن هـا به اقطـار مختلف، ایراد خطبه و طرح سـخنان سودمنـد و سازنـده، دعـا و ابتهـال بـا اسـلوبی که افراد در هنگام خوانـدن آن دعاهـا احسـاس کننـد که عزت، قـدرت و توانگری فقـط نزد خـداست. امام (ع) با این دعاها آن چنان انسان ها را تربیت می کرد که بتواننـد نفس خود را رام کننـد به طوری که حاکمـان زمان را به هیـچ بپندارنـد و آبرو و عزت خویش را به متاع ناپایدار دنیا نفروشـند. دکتر بستانی معتقد است، ادبیات امام سجاد (ع) از نظر کمی بعد از ادبیات کلام امام علی (ع) قرار می گیرد. و با توجه به جهت گیری ویژه آن حضـرت نسبت به دعا و از نظر فراوانی مطالب مطرح شده و تنوع آن حائز اهمیت است. (۴، ص: ۱۵۳). اگر در عهـد اموی ادبیـات انحراف، شـعر مجون و خمر و لهو و مـدیحه گویی حاکمان جور فراوان شـد ولی ادبیات

امام سجاد (ع) مانند بنای شامخی است که در نقد اوضاع اجتماعی و سیاسی از یک سو و ساختن شخصیت اسلامی در سطوح مختلف از سوی دیگر ایستادگی کرد. ادبیات امام سجاد (ع) به طور کلی به چهار دسته تقسیم می شود: ۱- ادبیات سیاسی ۲- ادبیات اجتماعی ۳- ادبیات اخلاقی ۴- ادبیات دعا.

ادبیات سیاسی امام سجاد

امام سجاد (ع) در مقابل سلطه ی حاکم وظیفه آگاه سازی مردم را به عهده داشت و آنان را از همکاری با حاکمان ستم برحذر می داشت. در یکی از سخنانش می فرماید: «کفانا الله و ایاکم کید الظالمین و بغی الحاسدین و بطش الجبارین. أیها المؤمنون، لا یفتننکم الطواغیت و أتباعهم من أهل الرغبه فی الدنیا المائلون الیها، المفتونون بها...» و در نامه ای خطاب به یکی از کسانی که با حکومت منحرف همکاری کرده است می فرماید: «فانظر أی رجل تکون غدا اذا وقفت بین یدی الله، فسألك عن نعمه کیف رعیتها و عن حججه علیک کیف قضیتها، و لا تحسبن الله قابلا منک بالتعذیر، و لا راضیا منک بالتقصیر...». با دقت در سخنان فوق درمی یابیم که هر چند کلام سیاسی باید به زبانی ساده باشد ولی امام (ع) کلام خود را با عناصر ایقاعی و تصویری آراسته است. در ادامه می فرماید: «جعلوك قطبا أداروا بك رحی مظالمهم، و جسرا یعبرون علیك الی بلایاهم و سلما الی ضلالتهم» (۴، ص: ۱۵۵). در کلام یاد شده تصویر سازی های امام (ع) از چند نظر دارای اهمیت است: الف: امام (ع) به تجربه های مألوف و آشنایی تکیه دارد که هیچ پوشیدگی در آن نیست. ب: تصویرها متجانس با مصداق خود است. ج: تصویر با موضوع کاملا هماهنگ

است. به کار گیری کلمه ی «جسر» برای عبور و «سلم» برای صعود و «رحی» برای له کردن و همه اینها ابزارهایی برای اهداف ستمگرانه ی آن ها بوده است. همکاری کننده ی با ستمگر را به محوری تشبیه کرده است که سنگ آسیاب به دور آن می چرخد.

ادبیات اجتماعی امام سجاد

از دیدگاه امام (ع) رابطه ی انسان با خدا اولین سنگ زیر بنا نسبت به سایر روابط است به طوری که روابط دیگر بر پایه ی آن استوار می شود. در این باره می فرماید: «ان لله علیک حقوقا محیطه بک فی کل حرکه تحرکتها، أو سکنه سکنتها أو جارحه قلبتها أو آله تصرفت بها، بعضها اکبر من بعض، و اکبر حقوق الله علیک ما أوجبه لنفسه تبارک و تعالی من حقه.» (همان)

ادبیات کلام امام سجاد علیه السلام از نظر اخلاقی

امام (ع) ویژگی های شخصیت زاهد را این گونه ترسیم می کند: «ان قسوه البطنه و کظه الملاءه و سکر الشبع و غره الملک مما یثبط و یبطی ء عن العمل و ینسی الذکر و یلهی عن اقتراب الأجل حتی کأن المبتلی یحب الدنیا به خبل من سکر الشراب، فان العاقل عن الله الخائف منه، العامل له، لیمرن نفسه و یعودها الجوع حتی ما تشتاق الی الشبع و کذلک تضمر الخیل لسبق الرهان» (همان، ۱۵۷). درباره محبت نسبت به خداوند و عصیان در برابر او، امام سجاد (ع) در شعری می فرماید که محبت با عصیان جمع نمی شود. تعصی الاله و أنت تظهر حبه هذا لعمری فی الفعال بدیع لو کنت تظهر حبه لأطعته ان المحب لمن یحب مطیع خداوند را معصیت می کنی و ادعا می کنی که او را دوست داری. به جان من، این ادعا از عجایب امور است. اگر راستی خدا را دوست داشتی، او را اطاعت می کردی؛ زیرا محب همیشه مطیع محبوب است.

ادبیات دعا

اشاره

در ادبیات دعا، امام سجاد (ع) شخصیتی منحصر به فرد است. با این نکته که دعاهای آن حضرت از نظر در بر داشتن مسائل مربوط به سلوک انسانی، با سایر آثار ادبی آن حضرت از قبیل حدیث، نامه، وصیت، خاطره، محاوره، مصاحبه و غیره تفاوتی ندارد. همه این ها جنبه های مختلف حیات را مد نظر دارند. دعا با نقشی که دارد، پدیده های یاد شده را از نظر فردی، اجتماعی و وجودی تضمین می کند، هر چند که تکیه ی آن بر بعد وجدانی و محکم کردن ارتباط انسان با خداست. اگر در اسلوب و مضامین دعاهای امام سجاد بنگریم، درمی یابیم که در همه دعاها

بر مذمت نفس اماره تأکید شده است تا این نفس از ذلت و ضعف و سقوط رهایی یابد، در عین حال از نظر هنری و فکری نیز مشتمل بر دو عنصر مهم ایقاعی و تصویری هستند که نمونه هایی از آن را در این جا مورد بررسی قرار می دهیم [۶] .

ساختار هنری دعا

اشاره

امام سجاد در یکی از مناجات ها می فرماید: ۱- [الهی الیک اشکوا نفسا بالسوء أماره و الی الخطیئه مبادره، و بمعاصیک مولعه و لسخطک متعرضه. تسلک بی مسالک المهالک و تجعلنی عندک أهون هالک، کثیره العلل، طویله الأمل. ان مسها الشر تجزع و ان مسها الخیر تمنع، میاله الی اللعب و اللهو، مملوءه بالغفله و السهو. تسرع بی الی الحوبه و تسوفنی بالتوبه]. ۲- [الهی أشکو الیک عدوا یضلنی و شیطانا یغوینی. قد ملأ بالوسواس صدری و أحاطت هواجسه بقلبی. یعاضدلی الهوی و یزین لی حب الدنیا و یحول بینی و بین الطاعه و الزلفی.] ۳- [الهی الیک أشکوا قلبا قاسیا، مع الوسواس متقلبا و بالرین و الطبع متلبسا، و عینا عن البکاء من خوفک جامده و الی ما یسرها طامحه.] ۴- [الهی لا حول و لا قوه الا بقدرتک، و لا نجاه لی من مکاره الدنیا لا بعصمتک؛ فأسألک...] (۱۴، ص: ۲۰۸). متن بالا- در بردارنده ی چهار فراز است که با هم مرتبطند. در فراز اول درباره ی نفس امر کننده به بدی و از بعضی از ویژگی های آن، مانند کثرت علل و أمل و جزع و لعب سخن می گوید. اما در فراز دوم از مصدر و منبعی سخن می گوید که نفس اماره را به بدی می کشاند و آن شیطان است. پس مفرداتی را به

کـار می برد که در وسـوسه و تزیین دنیـا کـاربرد دارنـد. در فراز سـوم از قلـبی نزد خداونـد شـکوه می کنـد که بـا وسـوسه ها دگرگون می شود و با زنگارهای مختلف پوشـیده شـده است. از چشـمی شـکوه می کند که از خوف خدا، اشک نمی ریزد و جامـد است و به آن چه شادمانش کند بلند پروازی می کند. اما در فراز پایانی برای نجات دادن نفس از بدی هایی که در سـه فراز پیشـین سـخن گفته بـود رو به سـوی خـدا می کنـد. روابـط علی بین فرازهـای چهارگـانه آشـکار است. عناصـر ایقـاعی و تصویری در این چهار فراز قابل ملاحظه است که ما برای توضیح این دو عنصر مهم از متن دعاهای دیگر بهره می بریم.

یقاع

ایقاع مهم ترین عنصر در ساختار دعاهاست و آن هنگام تلاوت مشـخص می شود نه خواندن صامت. بنابراین هنگامی در متن عنصـر ایقاع وجود دارد که متناسب با طبیعت خواندن آن و متناسب با مضمون و محتوای آن باشد. جهت روشن شدن موضوع نمـونه ای از مناجات حضـرت سـجاد معروف به مناجـات التـائبین از مناجـات خمسه عشـر مـورد بررسـی قرار دهیم. ١- [الهی البستنی الخطایا ثوب مذلتی و حللنی التباعد منک لباس مسکنتی، و أمات قلبی عظیم جنایتی، فأحیه بتوبه منک یا أملی و بغیتی، ویا سؤلی و منیتی. ٢- فوعزتک ما أجد لذنوبی سواک غافرا و لا أری لکسـری غیرک جابرا. ٣- و قد خضعت بالانابه الیک، و عنوت بالاستکانه لدیک. ۴- فـان طردتنی من بابک فبمن ألوذ وان رددتنی عن جنابک فبمن أعوذ. ۵- فوا أسفاه من خجلتی و افتضاحی، و والهفاه من سوء عملی و اجتراحی. ۶- اسألک یا غافر الذنب الکبیر، و یا جابر العظم

الکسیر. ۷- أن تهب لی موبقات الجرائر، و تستر علی فاضحات السرائر. ۸- و لا تخلنی یوم القیامه من برد عفوک و غفرک و لا تعرنی من جمیل صفحک و سترک. ۹- الهی، ظلل علی ذنوبی غمام رحمتک و أرسل علی عیوبی سحاب رأفتک. ۱۰- الهی هل یرجع العبد الابق الا الی مولاه، أم هل یجیره من سخطه أحد سواه؟...] (۱۴، ص: ۲۰۶). متن فوق با قافیه و تفعیلات خود همانند قصیده ای است که هنگام تلاوت، زیبایی های خودش را دارد. از نظر فواصل یعنی کلمات آخر، در دو فراز یا بیشتر متحد است. این تنوع در ایقاع فرازها یعنی تغییر و تبدیل فواصل بین دو فراز یا بیشتر ارتباط دقیق با تبدل افکار و موضوع متن دارد. هر تبدلی در ایقاع مقترن با تبدل در افکار است. به عنوان مثال در دعاهای دیگر دیده می شود که فواصل تسلیم صوتی واحد است. در نمونه ذیل همه ی فواصل تسلیم صوت «راء» و «هاء» است. [اللهم اعتذر الیک: ۱- من مظلوم ظلم بحضرتی فلم أنصره. ۲- و من معروف أسدی الی فلم أشکره. ۳- و من مسی ء اعتذر الی فلم أعذره. ۴- و من ذی فاقه سألنی، فلم أوثره. ۵- و من ذی حق لزمنی لمؤمن، فلم أوفره. ۶- و من عیب مؤمن ظهرلی، فلم أستره. ۷- و من کل اثم عرض لی، فلم أهجره. (دعای ۱/۳۸). متن فوق سرشار از عناصر ایقاعی گوناگون است. از یک طرف همه قافیه های آن واحد است، گویی قصیده ای عمودی است که دارای قافیه ای واحد است از طرف دیگر فقرات آن تقریبا متوازن است و تعداد کلمات فرازها تقریبا برابر است. و

از سوی سوم سرشار از تجانس بین اصوات فقرات است مانند دو حرف «طاء» و «ضاد» در فراز اول. و از جانب چهارم، عنصر تکرار در ابتدای هر عبارت و صوت یاء که هر سطر با آن ختم می شود و کلمه ی «لم» که پیش از همه فواصل دیده می شود، قابل ملاحظه است. هنگام خواندن و شنیدن این دعا عناصر ایقاعی در افزودن جذابیت و زیبایی دعا سهم فراوان دارد. و نکته ی مهم دیگر این که تنوع فواصل در متن پیشتر و یکتایی آن در متن کنونی با طبیعت موضوع ارتباط کامل دارد. متن اخیر پیرامون موضوعی واحد است و آن طلب بخشش از خداوند متعال است به خاطر مسائلی که پیش آمده است به همین دلیل همه فرازها برابرند؛ چون موضوع عذرخواهی از امور سابق است. در این جا امور مختلف با مصداق های گوناگون تسلیم مفهومی واحد هستند؛ به همین دلیل فواصل اتحاد دارند.

تصویر سازی

تصویر در دعا در مقایسه با ایقاع عنصر دوم است زیرا: همان گونه که دعا همراه با تلاوت است ناگزیر با ایقاع همراه است، ولی ضرورتی ندارد که تصویر گری با تلاوت همراه باشد. به عنوان مثال، دیده می شود دعاهایی که حاوی برآورده شدن نیازهاست مانند دعای رزق (دعای ۲۹)، عافیت (دعای ۲۳)، استسقاء (دعای ۱۹) یا پیروزی بر دشمن (دعای ۴۹) آن قدر که به تعبیر مستقیم و عرضه ی آشکار موضوع نیاز دارند به تصویر فنی نیاز ندارند ولی این موضوع نسبت به مناجات ها برعکس است. زیرا مناجات تواصل، سوز، گداز، شوق و وجد به سوی خدای تعالی است به طوری که دعا کننده ضمن انفعال در اندیشه ی خودش غور

می کند و در گفتگوی با خدا غرق و فانی می شود. این امر اقتضا می کند که از تصویرهای هنری که مشتمل بر استعاره یا رمز و تشبیه است، استفاده شود چرا که تعبیرهای ساده و مستقیم خرسند کننده نیستند. چون هنگام مناجات نفس دعا کننده حالتی خاص دارد، این کاربرد متناسب با آن نیاز است و این کار جز با تصویرهای هنری میسر نیست. شایسته است در این جا نمونه ای از مناجات العارفین حضرت (ع) را مورد بررسی قرار دهیم تا میزان ارتباط بین عنصر تصویر سازی و سیاق دعا روشن شود. و دریابیم که چگونه معصومین (ع) به عنوان شخصیت های پیشرو به لایه های روح انسان توجه دارند. [الهی، فاجعلنی من الذین ترسخت أشجار الشوق الیک فی حدائق صدورهم و أخذت لوعه محبتک بمجامع قلوبهم، فهم الی أوکار الأفکار یأوون، و فی ریاض القرب و المکاشفه یرتعون و من حیاض المحبه بکأس الملاحظه یکرعون، و شرائع المصافاه یردون] (۱۴، ص: ۲۲۰). در این فراز کوتاه مجموعه ای از تصویرهای هنری آمده است. در این جا ژرف ترین صورت های رابطه بین خدا و بنده مورد بررسی قرار گرفته اند. طبیعت حال و مقام اقتضا می کند که به تعبیری گرایش داشته باشیم که از تصویرهای دقیق و دلالت های ثانویه و الهام های ظریف سرشار باشد و بازگو کردن آن حالت های نفسانی به جز با این تصویرهای هنری میسر نباشد. در متن از استعاره هایی استفاده شده اند که رابطه بین درختان باغ با اشتیاق موجود در سینه ها در یک ردیف قرار گیرد. درخت به اندازه ای که ریشه هایش را در عمق زمین فرومی برد ثبات بیشتر به دست می آورد و به همین نسبت شوقی که در

قلب ریشه دوانیـده است برای حضـرت (ع) ممکن بود که به عنوان مثـال بگویـد: [اللهم اجعـل أشواقنا الیک شدیـده] ولی این تعبیر افـاده غرض نمی کرد، به همین دلیـل به تصویرهای اسـتعاری روی می آورد تا تراکم شوق و شـدت اشتیاق خود را نشان دهد. «حدائق» را به «صدرهم» اضافه کرده است تا به معرفت نسبت به خداوند عمق بیشتری بدهد.

نثر صحیفه سجادیه

نثر صـحیفه در غالب دعاها، نثر مسـجع است، ولی نه نثر مسـجعی که از روی تکلف و تصـنع باشد بلکه نثری ساده و شیواست. کلمـات متن، واژه هـایی سـاده و رایجنـد و انتخـاب هر کلمه به طور طبیعی بـا معنی و مصـداق آن تناسب دارد. هرگز کلمات مهجور در متن دعاها دیـده نمی شود. اگر کسـی امروزه بخواهد از سـر صدق و اخلاص با خدایش سـخن بگوید، در صورتی که دانش و معرفتش به حد دانش و معرفت امام سـجاد (ع) برسد، بدون تردید به همان گونه سخن خواهد گفت. به بیان دیگر امام سـجاد (ع) در دعاها تنها مطابق با زمان خود سـخن نگفته است، بلکه کلامش سازگار با همه ی زمان ها و برای همه نسل ها قابل فهم و استفاده است. [۷] . نثر صـحیفه رنگ و ویژگی دوره خاصی را ندارد تا در دوره ی دیگر کهنه شود. نثری است که هر کس در هر دوره ای به هر میزان که معرفت داشـته باشـد می توانـد به انـدازه ی توان از آن بهره مند گردد. در دعاهای صحیفه، گـاهی از قرآن کریم اقتبـاس شـده است به گونه ای که بافت سـخن به هم نمی خورد و آهنگ آن آشـفته نمی شود. مثلا: «الحمد لله الذی لو حبس عن عباده معرفه حمده علی ما أبلاهم

من منه المتابعه أسبغ عليهم من نعمه المتظاهره لتصرفوا فی منه فلم یحمدوه و توسعوا فی رزقه فلم یشکروه و لو کانوا کذلک لخرجوا من حدود الانسانیه الی حد البهیمه فکانوا کما وصف فی محکم کتابه [ان هم الا کالأنعام بل هم أضل سبیلا] (دعای ۸/۱) مردم غافل از خدا به حقیقت حیوان بلکه گمراه تر از حیوانند. در این فراز از دعا این گونه بیان شده که حمد و شکر، نعمت هایی اند که خداوند به انسان داده است و اگر چنین نبود، انسان از نعمت ها استفاده می کرد بی آن که سپاس بگوید، در نتیجه مقامش تنزل می یافت و مانند چارپایان می شد. همان گونه که امام علی (ع) در نامه ای که به عثمان بن حنیف انصاری می نویسد، اشاره می کند که من این چنین نیستم که مانند حیوان پس از خوردن بخوابم بلکه...

صحیفه ی معرفت (نگاهی به درون مایه ی دعاها)

صحیفه ی سجادیه، صحیفه ی معرفت نسبت به خدا و راه رسیدن به اوست که حاصل آن داشتن زندگی ای آرمانی یا حیاتی طیبه در این جهان و رستگاری آن جهانی است. صحیفه سجادیه از منبع معرفت صادر شده، بنابراین به انسان یاد می دهد که چگونه کسب معرفت کند و چگونه با مولا و صاحب خود سخن بگوید. این کتاب در حقیقت، طریق توجه به حق را به امت آموزش می دهد و اسرار و حقایق حکمت و عرفان و لطایف و دقایق اخلاق و آداب و رموز رابطه با خداوند را به خلق می آموزد. در دعاها ستایش و درود و سلام به پیشگاه پیامبر اکرم (ص) و خاندان مکرمش فراوان است. به عنوان نمونه در دعای پنجم پانزده مرتبه از خداوند خواسته است که بر محمد و

خانـدانش درود بفرسـتد. این امر نشـانه ی این نکته ی است که حضـرت پیش از بحث دربـاره ی معرفت می خواهـد به انسـان کامل اشاره ای داشـته باشـد و الگوی تمام عیاری را به مخاطب خویش نشان دهد. و غیر مسـتقیم به این نکته اشاره فرمایند که سخنان ایشان جملاتی انتزاعی نیسـتند. پیامبر اکرم (ص) خودش را وقف خدا کرده است و در این راه همه سختی ها را به جان خریـده است و در یـک کلاـم بالاـترین جهـاد را انجام داده است. در پایان دعای دوم می فرمایـد: «... هیـچ ملک مقرب و نبی مرسـلی با او هم سـنگ نخواهـد شـد.» از نظر درون مایه های صـحیفه بایـد گفت که هر چه خوبی است در آن است و به طور کلی می توان به این موضوعـات اشـاره کرد: مسایل علم النفس و تهـذیب روح، درس اخلاق کریمه و فضایل متعالی و حسـن معاشـرت، علم الاجتماع و توجه به مدینه ی فاضـله، عرفان و حکمت، سیاست، وظیفه ی پدران و مادران و فرزندان، درس حق شناسـی، درس محبت و عـاطفه، احـتراز از خشم و قهر و خشـونت، درس عـدالت و راسـتی و درسـتی، احـتراز از ظلم و جور و نادرستی، درس کرامت و عبادت و تقوی، دوستی، وفا و صفا، یک رنگی، خدمت به خلق، بشر دوستی، خیر خواهی، دوری از وسوسه های شیطانی، اصـلاح امور نفسانی و جسـمانی. در دعای هشتم، حضرت سجاد (ع) آسیب ها را برشمرده است. انسان در زندگی به حکم غریزه بنایش بر این است که به سوی خوبی ها و عوامل مثبت پیش رود و از عیب ها و کاستی ها و آسیب ها دور باشد. برای این که در این کار موفق باشد، لازم است

آسیب ها را خوب بشناسد. آسیب هایی که امام (ع) بیان فرموده است بدین قرار است: سوء مدیریت، فساد اقتصادی، ریاست طلبی، ریا، عجب، حسد، غضب، حرص، بی تابی، بداخلاقی، بی بند و باری، تعصب، غفلت، ترجیح باطل بر حق و اصرار بر گناه. در دعای نهم، امام (ع) لحن بسیار نرم و ملایمی دارد. از سخن ایشان درمی یابیم که از خداوند می خواهد که بین او و خودش چیزی را حائل قرار ندهد. امام (ع) در این دعا به این نکته اشاره دارد که خوبی ها همه جا هست و کسی بدانها نمی پردازد ولی انسان هایی هستند که با رنج فراوان به دنبال بدی ها می گردند و آن را با قیمت گزاف می خرند. در این دعا خواستار یکتایی و یکی شدن با دوست است زیرا برای انسان رشد یافته بزرگ ترین عقاب آن است که نتواند به محبوبش برسد. در دعای یازدهم، با چیزهایی که امام (ع) از خداوند می خواهد درمی یابیم که پیامش این است که: «هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت.» دعای سیزدهم دعای رفع حوایج است. در این دعا امام (ع) به ما می آموزد که از خداوند چیزهای بزرگ بخواهیم، او بزرگ است، چیز اندک خواستن نشانه کم همتی است. دعای بیست و دوم دعای امام (ع) هنگام بروز سختی ها و ناگواری هاست. حضرت از خداوند می خواهد که با قدرتی که دارد مشکلات و دشواری ها را مرتفع سازد. ممکن است کسی بگوید خداوند اگر بخواهد هم برای دعا کننده و هم برای دیگران، کاری را انجام می دهد، نیازی به خواستن نیست. در پاسخ باید گفت: فرق است بین کسی که می خواهد و درد طلب دارد با کسی که نمی خواهد. او

به معرفت خواستن رسیده است. مگر ممکن است، کسی که درد طلب دارد با کسی که خام و خواب و خاموش است، یکی باشد؟!

فرجام سخن

با بررسی کلمات امام سجاد (ع) و دعاهای صحیفه ی سجادیه و توجه به درون مایه ها و مضامین آن، به این نتیجه می رسیم که: ۱. کلمات امام سجاد دارای ادبیات سیاسی - اجتماعی و اخلاقی است. ۲. ادبیات حاکم بر دعاهای آن حضرت افزون بر درون مایه عظیم و وسیع معرفتی دارای ساختار هنری متعالی و مشتمل بر صنعت ایقاع و تصویر سازی است و غالبا از نثر مسجع ساده و شیوایی پیروی کرده است. ۳. امام سجاد (ع) راه رسیدن به خدا را، برای مردم کوتاه کرده است. ۴. امام سجاد (ع) به انسان ها آموخته است که چگونه با خدای خود سخن بگویند و از او چه بخواهند. ۵. امام (ع) معنا داری زندگی و معنی لذت واقعی را به انسان ها می آموزد. ۶. معارف صحیفه سجادیه انسان ها را در هر سطحی راهنمایی می کند و هر کس به فراخور حال خود می توانـد از آن بهره ببرد. گویی که امام (ع) هر کس را در هر مرحله ای که باشد برحذر می دارد و به او امیدواری می دهـد که با دو بال خوف و رجا حرکت کند. از یک سو می آموزد که غافل نشوند که راه دراز و پر نشیب و فرازی را در پیش دارند و از سو دیگر بدانند که می توانند ره صد ساله را یک شبه بپیمایند.

پاورقی

[۱] در دیوان فرزدق حدود پنجاه قصیده در مدح امویان است و تنها یک قصیده در مدح امام سجاد (ع) می باشد.

[۲] غزل اباحی در مقابل غزل عذری است. موضوع غزل اباحی انحراف و موضوع غزل عذری عشق پاک است.

[۳] عمر بن ابی ربیعه شاعر قریش و از اشراف است. همان

شبی که عمر بن خطاب از دنیا رفت، او به دنیا آمد و به عنوان تبرک نام او را عمر گذاشتند.

[۴] کمیت برادرزاده ی فرزدق است.

[۵] دکتر محمود البستانی از ادبای معاصر در تاریخ ادبیات عربی به ادبیات دعا توجه داشته است (ر. ک: البستانی، ۱۹۸۶).

[۶] ایقاع مصدر باب افعال، در لغت به معنی جنگ انداختن کسی را، انداختن کسی را در آن چه بد آید. ولی در اصطلاح یکی از فنون علم موسیقی است. النغمات المرکبه من النقرات الایقاعات و أصلها و کلها حرکات و سکون (رسائل اخوان الصفا) (دهخدا، ماده ایقاع) در این جا منظور از ایقاع ترکیب آهنگ های کلام است به طوری که بر مخاطب مؤثر افتد.

[۷] «مخائیل نعیمه» متفکر، ادیب و شاعر عارف مسلک معاصر، دعای بلندی دارد که به صورت کتابی با عنوان «نجوی الغروب» به چاپ رسیده است. با دقت در سبک این دعا درمی یابیم که قطع نظر از درون مایه ها و ظرافت های ادبی دیگر، از حیث کلمات و سبک، مانند صحیفه ی سجادیه است. یعنی ادیب و متفکری مانند میخائیل نعیمه وقتی که می خواهد زیباترین دریافت های خود را در قالب دعا بیان کند، همان کلمات و شیوه امام سجاد (ع) را به کار می برد. شاید کسی بگوید این طبیعت دعاست که برای همیشه سبک واحد داشته باشد و دارای کلمات یکسان باشد. در جواب خواهیم گفت که چنین نیست به عنوان مثال در ادب فارسی دعای قدیم دارای کلمات و سبک قدیم است و در دوره ی معاصر سبک و کلمات ویژه خودش را دارد.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹